

در این ترانه نقد
فرهنگ سنتی
افغانستان
رادیکال‌ترین
می‌شود و ازدواج
رسمی و سنتی
و معمولی مورد
طعنه و کنایه قرار
می‌گیرد: «خریدند
تنت را و بریدند
کفنت را/ به یک
آیه و چند سکه
ببستند دهنش را»
گویی که در فرایند
ازدواج رسمی و
سنتی، چون زن
مهریه می‌گیرد،
پس کالایی است که
به خرید و فروش
رسیده است



است» در این دوگانه عشق با حجاب جمع نمی‌شود و چون در فرهنگ سنتی افغانستان حجاب به صورت رسمی و عمومی وجود دارد، پس عشق ممکن نیست. در این ترانه نقد فرهنگ سنتی افغانستان رادیکال‌ترین می‌شود و ازدواج رسمی و سنتی و معمولی مورد طعنه و کنایه قرار می‌گیرد: «خریدند تنت را و بریدند کفنت را/ به یک آیه و چند سکه ببستند دهنش را» گویی که در فرایند ازدواج رسمی و سنتی، چون زن مهریه می‌گیرد، پس کالایی است که به خرید و فروش رسیده است. شاعر گام را فراتر قرار داده و مشکل را در «شهوت مردانه» معرفی می‌کند. در این ترانه برای توضیح اسف‌بار بودن وضع زنان در افغانستان نگاهی نیز به وضعیت زنان در جهان دارد و می‌گوید: «هر جای جهان مرتبه زن بلند است/ در کشور من زن مثل میت به حساب است» و در نهایت نیز مسأله را از زنانگی خارج کرده و جایگاه انسان در افغانستان را قضاوت می‌کند: «در کشور من ارزش انسان به نقاب است.» بخش سوم این موزیک ویدیو به پرفورمنس مژگان عظیمی اختصاص دارد. او لباس سفید تنگ و چسبانی پوشیده که نسبت به قصه‌ای که در تصویر روایت می‌شود، دو تشابه و دو تضاد دارد. از یک طرف به لباس فرد مرده و کفن شبیه است و از سوی دیگر، دهن کجی به لباس‌های آزاد و گشاد زنان در افغانستان است. همچنین در لباس سنتی زنان، زنجیر به لباس آویزان است و در لباس سفید او نیز زنجیر طلائی به کار رفته است. زنان سنتی در قصه موزیک ویدیو با حجاب هستند اما در تصویرسازی مژگان عظیمی، تأکید روی بی‌حجابی اوست. دوربین کلوزهای زیادی از صورت او می‌گیرد، که آرایش غلیظ و اغراق‌شده‌ای دارد. فارغ از اجرای ضعیف و اشکالات فنی خوانندگی او، بدن او سوژه قاب شده است. در پشت سرمژگان عظیمی از هیچ صحنه پردازی استفاده نشده و نتیجه‌اش، تمرکز بر بدن او و توجه